

توانمند سازی اجتماع محور و پایداری اجتماعی با رویکرد مشارکت اعضای شوراهای اجتماعی محلات مشهد مقدس – بر اساس نظریات جامعه شناسی و تجربه نگاری

سیدمحمدجواد گرجی^۱

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی

چکیده

یکی از بزرگترین چالش های مدیریت شهری، توانمند سازی اجتماع محور یا توانمند سازی محلات شهر است که مبتنی بر چهار باور است: الف- محلات شهر، خلاقیتی باور نکردنی و علاقه فراوانی به ادامه بقاء دارند. ب- توسعه سیاست های مدیریت شهری در سطح محله، موفق تر از سطح شهر است. ج- وقتی ساختارهای مدیریت شهری، به محلات فرصت کافی دهند، آنها بهترین گزینه را برای بهبود وضعیت خود و ارتقای توانمندی، سلامت و کیفیت زندگی شهروندان خود انتخاب می کنند. د- در محلات با تنوع قومیتی، رویکرد عمومی جامعه در پیش گرفته می شود. توسعه توانمندی و مشارکت های محلی یکی از راهکارهای شناخته شده برای دست یابی به عدالت در جوامع می باشد و رفع بی عدالتی، نیازمند تصویب سیاست های همگانی شفاف و واضح از سوی دولتها، توسعه قراردادهای اجتماعی جدید و افزایش همبستگی شهروندان در محلات می باشد. مقاله حاضر با رویکردی عملیاتی سعی در شناسایی و به رسمیت شناختن ظرفیت های بالقوه محلات داشته و با ارائه الگویی مرحله بندی و گام به گام سعی داشته است در توانایی کارشناسان حوزه اجرایی شهر مشهد برای افزایش بهره گیری از ظرفیت های اجتماعی بیش از ۱۵۰ محله شهر مشهد گام بردارد. با توجه به مراحل توانمندسازی شهروندان و محلات شهر مبتنی بر رویکردهای مشارکتی و چرخه توسعه و تکامل پروژه های توانمندسازی شهروندان و محلات مبتنی بر رویکردهای مشارکتی، مجموعاً یافته ها در سه بخش دسته بندی می شوند: بخش اول: تعیین وضعیت موجود محله، نیازها، اهداف، منابع و موانع و طراحی فعالیت های پروژه. بخش دوم: اجرا و بخش سوم: پایش و ارزشیابی

واژه های کلیدی: توانمندسازی، محله، شهروند، شورای اجتماعی

۱- مقدمه :

تامین ، حفظ و ارتقاء سلامت محلات شهر ، نیازمند توانمندسازی شهروندان است . بدین ترتیب ، شهروندان برای تعیین و اولویت بندی نیازهای خود و محله باید دارای توانایی لازم جهت طراحی ، اجرا ، پایش و ارزشیابی مداخلات مورد نیاز برای توسعه محله باشند که این توانایی خود مبتنی بر سه اصل برنامه ریزی ، اجرا و ارزشیابی است .

مساله این پژوهش ، تجربیات مستقیم پژوهشگر در زمینه نارسایی مشارکت شهروندان محلات گوناگون شهر مشهد در حوزه های گوناگون مدیریت شهری است که مصادیق فراوانی دارد . از دیگر سو استفاده از نظریات کمتر استفاده شده در تبیین مساله مشارکت و توانمندسازی ، ضرورتی را ایجاد میکند تا اینگونه نظریات بیشتر مطمح نظر قرار گیرند .

هدف کلی این مقاله ایجاد دانش ، مهارت و صلاحیت لازم در عوامل اجرایی و دست اندرکاران توسعه فرهنگ شهروندی و جلب مشارکت شهروندان در محلات شهر مشهد به ویژه کارشناسان فرهنگی و اجتماعی ، مسئولین امور جلب مشارکت های سرمایه گذاران و ادارات مشارکت های مردمی در سازمان های مختلف مانند سازمان بازآفرینی شهرداری مشهد خواهد بود .

سایر اهداف جزئی این تحقیق نیز عبارتند از :

- ۱- درک اهمیت مشارکت شهروندان در تلاش های توسعه محلات ؛
- ۲- بهبود استراتژیها ، تکنیک ها و ابزار مورد نیاز برای توسعه مشارکت شهروندان ؛
- ۳- ایجاد توانایی شناخت محله ، شناخت نیازهای توسعه آن و اولویت بندی نیازها و موضوعات شناسایی شده ؛
- ۴- تعیین اهداف کلی و اختصاصی توسعه محلات بر اساس نیازهای اولویت دار ؛
- ۵- طراحی برنامه های توسعه محلات برای پاسخگویی به نیازهای دارای اولویت ؛
- ۶- افزایش توانایی اجرای پروژه های توسعه محلات طراحی شده ، تامین منابع لازم و کنترل آن ؛
- ۷- افزایش توان پایش و ارزشیابی مداوم پروژه های توسعه محلات ؛
- ۸- توانایی کارشناسان برای جلب مشارکت شهروندان در فرایند تعیین و اولویت بندی نیازهای محلات

۲- بیان مساله :

در شهرهای امروز ، مساله برخورداری شهروندان از توانایی های لازم برای تاب آوری ، رشد و توسعه محلات از چالشی ترین موضوعات مدیریت شهری است . بدین ترتیب همواره بر پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی لازم است این مساله را به صورت خاص مورد نظریه پردازی قرار داده و با هدف رفع چالش های موجود در شهرها به ویژه کلانشهر مشهد مقدس به تشریح راهکارهای عملیاتی لازم برای شناسایی و گسترش توانمندیهای لازم بپردازند . شهر مقدس مشهد بعنوان دومین کلانشهر و پایتخت معنوی ایران و نیز دومین کلانشهر مذهبی جهان اسلام ، با جمعیتی ۳ میلیون نفری و حدود ۲۰ میلیون زائر سالانه ، الگویی ملی و بلکه بین المللی است . در این کلانشهر سالانه بیش از ده هزار میلیارد تومان ، صرف عمران و آبادانی در زمینه های مختلف عمرانی ، فضای سبز ، خدمات شهری و ... میشود . بدون شک وسعت گسترده شهر ، تنوع نیازها ، خیل گسترده زائرین ، تورم و سایر عوامل تاثیرگذار در توسعه ، صرف اینگونه ارقام را به تنهایی ناکافی نموده و ضرورت دخالت عامل مکمل یعنی مشارکت همگانی را خاطر نشان میسازد . میزان مشارکت اندک شهروندان در پرداخت عوارض نوسازی (کمتر از ۳۰٪ درآمد های پایدار) ، تخریب اموال عمومی ، تخلفات گسترده ساختمانی (بیش از ۱۰ هزار رای کمیسیون ماده صد شهرداری) ، نرخ رشد نسبتا بالای جمعیت (۱۴٪) ، آسیب های اجتماعی فراوان (طلاق با رتبه سوم کشوری ، اعتیاد ، سرقت ، فحاشی ، متلک پرانی و ...) رفتارهای قانون شکنانه ، عدم مداخله شهروندان نسبت به سرنوشت خود و دیگران و دهها و بلکه صدها عامل دیگر که طی دهه های اخیر شاهد بروز چشمگیر آنها در عرصه های شهری هستیم ، متولیان امر را به سوی بهره گیری از ظرفیت دیگری با عنوان ظرفیتهای اجتماعی سوق داده است . به طور مثال در کلانشهرهایی همچون تهران ، مشهد ، تبریز ، اصفهان و شیراز نهاد های مختلف دولتی با تشویق تشکل ها و سمن های محلی ، کوشیده اند تا سهم شایسته ای در جذب اینگونه ظرفیتهای ایفا کنند . در کنار این امر موجی اجتماعی برای حضور در تصمیم سازی ها و تصمیم گیریهای شهری در میان تشکلهای و فعالین مختلف ایجاد شده است که سعی در اثبات وجود خود و نیز تاثیرگذاری در شرایط پیرامونی خویش

دارند. لذاست که یافتن مبانی این موج اجتماعی و نظریه پردازی پیرامون آن از جایگاه ویژه ای برخوردار شده و اساتید و دانشجویان فراوانی کوشیده اند تا به این امر خطیر، جامه ای از نظریه بپوشانند و جوانب موضوع را تبیین نمایند.

۳-پیشینه موضوع :

موضوع توانمندسازی اجتماع محور در دهها مقاله علمی مورد بررسی قرار گرفته است که از میان آنها مقالات زیر مورد بررسی قرار گرفت :

" تبیین مدلی به منظور ارتقاء مدیریت بحران با رویکرد اجتماع محور " ؛
" پنج تجربه از اجرای پیشگیری از اعتیاد اجتماع محور " ؛
" تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع محور " ؛
" چالش های برنامه های ارتقاء سلامت اجتماع محور در سه دهه اخیر " و
" مقاله برنامه های اجتماع محور مشارکتی مرتبط با سلامت در جمهوری اسلامی ایران " .

۴-روش شناسی :

روش تحقیق مقاله حاضر ، اسنادی و نیز مبتنی بر تجارب نویسندگان است . نویسندگان دارای سابقه یک دهه معاونت فرهنگی و اجتماعی در مناطق شهرداری و راهبری چندین شورای اجتماعی محله بوده است که مبتنی بر شیوه ای عملیاتی و گام به گام و به صورت تجربی ، بهره برداران تحقیق را برای ایفای مسئولیت اجتماعی خود یاری میکند . بدین لحاظ مراحل اجرای کار در قالب الگوی مرحله ای ارائه شده است .

۵-مبانی نظری :

امروزه درک و بکارگیری راهکارهای توانمند سازی شهروندان و محلات شهر ، یکی از اهداف آشکار ارتقای سلامت ملل میباشد . با استفاده از واژه نامه ارتقای سلامت میتوان گفت : توانمندسازی فرایندی است که هر شهروند از طریق آن ، کنترل بیشتری بر تصمیم گیریها و فعالیت های موثر بر سلامت خواهد داشت . مدت مدیدی است آثار سوء فقدان قدرت بر سلامت شهروندان ، شناخته شده است اما فقط در طی دو دهه قبل جنبه مثبت مفهوم قدرت در تئوری ها و مداخلات سلامت گنجانیده شده است .

۵-۱ تعریف مفاهیم :

۵-۱-۱ مفهوم توانمند سازی :

بر طبق نظرات والرشترین میتوان گفت که فرایند توانمند سازی ، اقدامی اجتماعی است که مشارکت شهروندان ، سازمانها و محلات شهر را به منظور افزایش نظارت فردی و گروهی ارتقاء می بخشد . مهمترین ابعاد این نظارت ، حوزه سیاسی ، عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی هستند . این مفهوم شامل دو حوزه است : فردی و محلی .
توانمند سازی فردی مبتنی بر توانایی شهروندان در تصمیم گیری و کنترل زندگی شخصی آنهاست و توانمندسازی محله ای مبتنی بر اقدام مشارکتی همه شهروندان یک محله به منظور دست یابی به کنترل و تاثیر بیشتر بر عوامل تعیین کننده سلامت و کیفیت زندگی در آن محله است که یکی از اهداف مهم در توسعه جامعه برای دست یابی به سلامت محسوب میشود . طبق دیدگاه مورفی ، توانمندسازی فردی و جمعی شهروندان با یکدیگر در ارتباط هستند و نمیتوان به یکی از آنها بدون دیگری دست یافت . از سوی دیگر توانمندسازی فردی شهروندان بر تغییر و تبدیل رفتار آنها به منظور اتخاذ یک سبک زندگی سالم به عنوان هدف اساسی ارتقای سلامت تاکید دارد . از نظر اغلب کارشناسانی که مطالب زیادی در خصوص توانمندسازی منتشر

نموده اند ، رسیدن شهروندان یک محله به درک جمعی مشترک ، مترادف با توانمند سازی جمعی آنان است . توانمند سازی روانشناختی از طریق شرکت شهروندان در اقدام های گروهی و برنامه های مشارکتی نظیر عضویت در شوراهای اجتماعی محلات ، کارگروه های ذیل شوراهای اجتماعی محلات ، محافل محله ای ، پاتوق های محله ای ، پژوهش های مشارکتی محله ای و سایر راه های مبتنی بر مشارکت که به منظور افزایش دانش و آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف شهروندی اجرا میشوند تقویت میگردد . طبق نظر ماتو ، مشارکت منتهی به افزایش ظرفیت محلات را میتوان با پنج شاخص ارزیابی کرد : گستردگی ، عمق ، چگونگی ، تاثیر و دوام . همچنین طبق نظر بکر و بوردین ، معیارهای جدید ارزشیابی توانمندسازی شهروندان شامل سنجش کارایی و خرد جمعی ، کنترل فردی بافت سازمانی محله ، تاثیر اجتماعی درک شده و نیز تغییرات واقعی در عملکردها ، سیاست ها ، هنجارها ، منابع و شرایط اجتماعی محله می باشد . علاوه بر تعیین استانداردهای ظرفیت محلات و توانمندسازی شهروندان ، ضروری است که بافت محله نیز ارزیابی شود زیرا هر محله ای از تسهیل کننده ها و موانع خاص خودش برای تغییر و تحول برخوردار بوده و درک اهمیت شاخص های افزایش ظرفیت محله بسیار مهم است . طبق نظر میلیو ، حمایت موثر و کافی از سازمانهای اجتماعی برای ایجاد ارتباط موثر بین سیاستهای شهری با سلامت محلات و تندرستی شهروندان ضروری است . حمایت از آموزش برای توانمندسازی شهروندان در دگرگونی نمودن شرایط زندگی و بهبود وضعیت محلات ، مساله ای مهم و حیاتی است زیرا فرایند چرخش اطلاعات یکی از تفاوت های اساسی موجود بین یک محله فعال و مشارکتی با محله ای منفعل و غیر مشارکتی میباشد . به اعتقاد وی ، توسعه ابتکارات اطلاعاتی ، ارتباطی و آموزشی موثر در جوامع غیر پیشرفته با چالش های بزرگی مواجه است چرا که فرایند آموزش شهروندان ، فرایندی مادام العمر است که نیازمند سیاستهای همگانی مناسب ، مدیریت علمی و هدفمند و حمایت سیاسی مداوم مدیریت شهری می باشد .

۵-۲-۱ مفهوم مشارکت اجتماعی :

آرنشتاین مشارکت را فرایند سهیم شدن مردم در قدرت جهت تاثیر گذاری بر رفتار دولت میداند . از نظر وی مشارکت ، توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می افتد . او هشت سطح مشارکت شهروندان را بر روی نردبانی موسوم به نردبان مشارکت از یکدیگر تفکیک میکند : کنترل شهروندی - قدرت تفویض شده - شراکت - تسکین بخشیدن - مشاوره - اطلاع رسانی - درمان - دستکاری و ظاهر فریبی . " این تئوری می تواند برای توصیف ارتباطات کارکردی که در فعالیتهای اصلاح وجود دارد، مورد استفاده قرارگیرد. گرچه نردبان آرنشتاین اکنون بیش از ۴۰ سال سن دارد ، ثابت کرده که مدل سودمندی در گفتگوهای مداوم درباره درگیری جامعه در فرایند برنامه ریزی است. مدل آرنشتاین ملاحظه قدرت اختصاص یافته به مردم را نشان میدهد و ابزار کارآمدی در آزمایش ماهیت متدهای مشارکتی گوناگون برنامه ریزی است . مدل نردبانی معمولا به سه مرحله تقسیم شده است : قدرت شهروندان (کنترل شهروندان، قدرت تفویضی، مشارکت شهروندان)، میزان حداقل آزادی (التیام بخشی، مشاوره، اطلاع رسانی) و عدم مشارکت (درمان، تقلب و دستکاری)

۶- یافته ها :

تأمین ، حفظ و ارتقای سلامت شهروندان و محلات شهر نیازمند توانمندسازی شهروندان برای تعیین و اولویت بندی نیازهای خود و محلات و نیز طراحی ، اجرا ، پایش و ارزشیابی مداخلاتی است که شهروندان برای بهبود وضعیت خویش و توسعه محلات انتخاب میکنند . نتایج مطالعات حوزه توانمند سازی اجتماع محور و تجربیات نگارنده در حوزه شوراهای اجتماعی محلات ، طرحی مرحله ای را پیش می نهد که مبتنی بر بیست و سه اقدام است . این اقدامات سلسله مراتبی بوده و بر اساس ظرفیت های محلات شهر مشهد قابل اجراست . مراحل به شرح ذیل هستند :

- ثبت نام و تعیین سطح انتظارات اعضا
- آشنایی با ویژگی ها ، محدودیت ها و شرایط محله

- شناسایی منابع ، فرصتها و امکانات مرتبط با محله
- شناسایی ، اصلاح و توسعه روش ها و تکنیک های جمع آوری اطلاعات محله
- جمع آوری اطلاعات و داده های محله
- تعیین وضعیت موجود محله
- اجرای نیاز سنجی در محله
- اولویت بندی نیازها
- سطح بندی و طبقه بندی نیازها
- برنامه ریزی برای نیازهای تعیین شده محله
- تعیین نیازها در محله خاص
- تعیین اهداف کلی و اختصاصی
- بیان اهداف کلی و اختصاصی
- بررسی منابع و موانع
- طراحی برنامه عملیاتی
- زمان بندی فعالیت های پروژه
- تعیین مسئولیت ها ، امکانات ، ابزار و خدمات پروژه
- بودجه بندی
- جلب حمایت شهروندان و اعضای خاص محله برای اجرای پروژه
- هماهنگی های لازم برای اجرای پروژه
- پایش عملیاتی پروژه
- مدیریت موانع و بحران های احتمالی
- اجرای ارزشیابی

۷- نتیجه گیری و بحث :

مدیریت شهری باید متعهد شود که ساز و کار مناسب برای اعمال نظارت و کنترل شهروندان بر مداخلات بهبود وضعیت محلات را پیش بینی نماید . این کار یکی از پیشنهادهای مثبتی است که در اصطلاحات مدیریت شهری به طور همه جانبه مورد حمایت قرار گرفته است اما ضروری است که از طریق مکانیسم های تضمین کننده مشارکت شهروندان ، تشویق و اجرا گردد . اعمال نظارت و کنترل شهروندان بر مدیریت شهری محلات و فعالیت های مدیران محلی نیازمند توجه جدی به تعیین ساز و کار مناسب برای توسعه نظارت شهروندان بر خدمات مدیریت شهری است . مجریان خدمات شهری در محلات باید نسبت به مساعدت با سازمان های اجتماعی محلات برای بسیج منابعشان ، متعهد شده و در زمینه شیوه ها و راهکارهای جلب مشارکت شهروندان تربیت شوند . بعضی از مهارت های مورد نیاز برای توسعه مشارکت شهروندان در برنامه های ارتقای سلامت محلات ، نیازمند وجود زمینه های زمینه های سیاسی مناسب برای جلب حمایت همه جانبه ، چانه زنی ، تدوین سیاست ها ، پرهیز از تنش در مواقع تضاد منافع و ایجاد توافق میباشد . توسعه ارتباطات اجتماعی در محلات ، وسیله ای ارزشمند برای ارتقاء سلامت می باشد اما نیازمند تعهد کافی مسئولین برقراری ارتباط و رسانه ها میباشد . البته یکی از دشواریهای توسعه محلات ، کمک به فراگیری و پذیرش فناوری های ارتباطی و اطلاع رسانی نوین توسط اقشار مختلف شهروندان و توسعه برنامه های آموزشی متناسب با فرهنگ محله است . ابتکار سازماندهی مراکز ارتباطی محلی مانند شوراهای اجتماعی محلات وسیله ای مناسب برای جلب مشارکت شهروندان محلات میباشد . بنابراین برای افزایش ظرفیت محلات و توسعه مشارکت شهروندان در تدوین سیاست های مناسب شهری ، نباید تاثیر رسانه را نیز از یاد برد . همچنین علاوه بر تاثیر شوراهای اجتماعی محلات و حضور کارشناسان مسائل شهری در محلات ، منابع دیگری نیز برای توسعه مشارکت شهروندان مورد نیاز است که همانا تخصیص بودجه کافی است . افزایش ظرفیت محلات و توانمندسازی شهروندان نیازمند برخورداری از فرایندهای مشارکتی و

منابع مالی مناسب می باشد. در نهایت فرایند افزایش ظرفیت محلات نیازمند توسعه مسئولیت پذیری شهروندان می باشد. مدیران محله، مدیریت شهری محله، سازمان های همکار و مجریان خدمات شهری باید مسئولیت پذیر باشند. در این راستا، ائتلاف برای بهبود وضعیت محلات (شورای اجتماعی محلات) راهی است برای تاکید بر ضرورت همکاری با یکدیگر به منظور خلق شرایط توانمند کننده شهروندان در ارتقای سلامت و افزایش کیفیت زندگیشان که نیازمند هشت عامل است: وجود هدف یا زمینه کاری مشترک، انتخاب اعضای متناسب، اطلاع اعضای شورای محله از وظایف خود و سایر اعضا، حمایت اعضای شورا از یکدیگر، پشتیبانی اعضای شورا از مهارت و شخصیت یکدیگر، تعهد اعضای شورا برای به پایان رساندن امور مربوط به محله، وجود مدیریت مشخص در شورای محله و در نهایت وجود پایگاه (پاتوق) برای شورای محله. بالاخره باید به نقش شوراهای اجتماعی محلات در ارتقاء دانش و بینش عمومی شهروندان محلات پرداخت که بحمد... شهر مشهد دارای زمینه های اولیه مناسبی در این حوزه می باشد. امید است با گسترش روزافزون شوراهای اجتماعی محلات و بازشناسی دوجانبه نقش آنها توسط مدیریت شهری از یک سو و شهروندان از سوی دیگر، شاهد تاثیرگذاری بیشتر بر توانمندی اجتماعات محله ای باشیم.

در مجموع در جمع بندی پایانی باید گفت: حرکت مدیریت شهری به سوی خصوصی سازی، توسعه رقابت در بازار و تفسیر حقوق شهروندای با قوانین بازاریابی، اشتباهی جدی در مدیریت شهری خواهد بود.

منابع:

- فولادیان، مجید و رضائی فرخ، احمد، نظریه ها و پارادایم های مشارکت در جامعه شناسی. سخن گستر، ۱۳۸۷، مشهد
 بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی (باقر ساروخانی). موسسه کیهان، ۱۳۷۰، تهران
 محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا، مشارکت اجتماعی در ایران. آرون، ۱۳۸۲، تهران
 علوی تبار، علیرضا، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۸۰، تهران
 سعیدی، محمد رضا، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی. سمت، ۱۳۸۲، تهران
 شفیعی مطهر، علیرضا، مبانی و ضرورت مشارکت. عابد، ۱۳۸۳، تهران
 مک لگان، پاتریشا، نل، کریستو، عصر مشارکت. اسلامیه، مصطفی، دفتر نشر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۷، تهران
 امیرخانی، محمد امیر، یازی، محمد هادی، پریانی، عباس، رفیعی فر شهرام، راهنمای توانمندسازی شهروندان و محلات شهر برای ارتقای سلامت